

پوچ‌گرایی سرمایه‌دارانه «وال استریت بتس»

اسلاوی ژیزک . ترجمه: گلناز منتظری



شدم». این پوچ‌گرایی به بهترین شکل در اصطلاح «یولو» (مخفف جمله «فقط یک بار زندگی می‌کنی») خود را نشان می‌دهد؛ اصطلاحی که در این جمع برای اشاره به کسانی به کار برده می‌شود که کل سبد سهام‌شان را بر سر تنها یک سهم یا حق اختیار معامله به خطر می‌اندازند.

اما این پوچ‌گرایی ساده نیست که برای این افراد انگیزه ایجاد می‌کند؛ پوچ‌گرایی آنها بی‌تفاوتی نسبت به نتیجه نهایی را نشان می‌دهد. همان‌طور که جرمی بلک‌برن، استادیار علوم کامپیوتر دانشگاه بینگمتون می‌گوید: «حتی نتیجه هم اهمیتی ندارد، تنها وسیله مهم است. این واقعیت که شما دارید این شرط را می‌بندید، همان چیزی است که ارزش کل ماجرا در آن است. مسلما ممکن است ببرید یا مال‌باخته شوید، اما شما بازی کردید و دیوانه‌وار این کار را کردید.»

ژاک لاکان در نظریه روانکاوی خود میان لذت مستقیم (لذت از ابزارهای که آن را می‌خواهیم) و لذت مازاد تمایز قائل می‌شود. برای مثال، خیلی از مردم از نفس عمل خرید بیش از آنچه در واقع می‌خرند لذت می‌برند. اعضای وال‌استریت‌بتس این لذت مازاد قمار در بورس سهام را علنی در معرض دید قرار داده‌اند.

اقبال عمومی به وال‌استریت‌بتس به گونه‌ای است که میلیون‌ها نفر از مردم عادی در آن شرکت دارند. جبهه جدیدی در جنگ طبقاتی آمریکا شکل گرفته است. همان‌گونه که رابرت رایش در تویییتی گفته «بگذارید یک موضوع را روشن کنیم؛ اینکه کارسرن ردیت ارزش گیم‌استاپ را بالا ببرند، دستکاری بازار است، اما اگر میلیاردها در صندوق‌های پوشش ریسک سهام استرقاضی بفروشند، صرفا یک استراتژی سرمایه‌گذاری

سیاست حقوق

سیاست حقوق

شرق سال هجدهم • شماره ۴۰۱۰

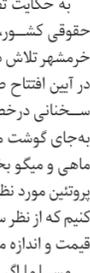
روزنامه شرق سال هجدهم • شماره ۴۰۱۰

زمانی که کارگردان کروات داریو بوریچان نامزد انتخابات ریاست‌جمهوری ۲۰۱۹ کرواسی شد، با شعار انتخاباتی «فساد برای همه» وعده داد که [در دولت او] مردم عادی هم از رابطه‌سالاری بهره‌مند خواهند شد. مردم با اشتیاق به این شعار واکنش نشان دادند با اینکه می‌دانستند این یک شوخی است. نیروی محرک مشابهی در ساب‌ردیت «وال‌استریت‌بتس» وجود دارد که با همذات‌پنداری بیش از حد با سیستم مالی یا به عبارت دقیق‌تر با همگانی‌کردن و در نتیجه آشکارکردن مسخرگی ذاتی‌اش سعی در متزلزل‌کردن آن دارد.

تا الان ماجرا را شنیده‌اید، اما بگذارید آن را مختصر بازگو کنم. «وال‌استریت‌بتس» گروهی اینترنتی است که در آن میلیون‌ها عضو درباره سهام و حق اختیار معامله بحث می‌کنند. ویژگی‌های بارز این گروه، فضای خلاف عرف و ترویج روش‌های معامله متهورانه است. بیشتر اعضای آن افراد غیرحرفه‌ای جوانی هستند که به شیوه‌های اساسی سرمایه‌گذاری و روش‌های مدیریت ریسک اعتنایی ندارند و به همین دلیل فعالیت‌شان قمار تلقی می‌شود. اعضای این گروه اخیرا در سهام شرکت «گیم‌استاپ» سرمایه‌گذاری عظیمی کردند و دیگران را هم به سرمایه‌گذاری تشویق کردند که بر اثر آن قیمت این شرکت (که پیش‌تر با روند نزولی ارزش در بازار مواجه بود) بالا رفت و ترس و نوسانات بیشتری در بازار ایجاد شد.

آنچه این افراد را به سرمایه‌گذاری در «گیم‌استاپ» سوق داد، بیش از آنکه به وضعیت شرکت ربط داشته باشد، به انگیزه آنها برای بالا بردن موقت ارزش سهام آن و سپس بازی با نوساناتش برمی‌گشت. این به آن معناست که در وال‌استریت‌بتس نوعی خودبازتابندگی وجود دارد؛ چراکه آنچه در شرکت‌های مورد سرمایه‌گذاری اعضای این گروه می‌گذرد، اهمیتی ثانویه دارد. آنچه برای آنها اتفاق در درجه اول اهمیت است، آثار فعالیت‌شان (یعنی خرید یا فروش گسترده سهام یک شرکت) بر بازار است.

منتقدان در این رفتار به‌روشنی آثار پوچ‌گرایی را می‌بینند؛ آثار تقلیل معامله سهام به قمار را، یکی از اعضای این گروه می‌گوید: «من از یک سرمایه‌گذار منطقی به یک قمارباز مفلوک بی‌منطق تبدیل



حمیدرضا آقابابیان
وکیل پایه‌یک دادگستری

به حکایت تصاویر دادنامه منتشرشده در فضای حقوقی کشور، اخیرا احدی از قضات دادگستری خرمشهر تلاش داشته با استناد به سخنان رئیس‌جمهور در آیین افتتاح طرح‌های ملی وزارت جهاد کشاورزی، سخنانی درخصوص ورود آژینان به مصرف خنوار به‌جای گوشت مینی بر اینکه به نظر من بخش پرورش ماهی و میگو بخش مهمی است و اینکه بتوانیم غذا و پروتئین مورد نظر مردم را بیشتر به سمت آژینان هدایت کنیم که از نظر سلامتی هم بهتر است، اگر بتوانیم به قیمت و اندازه مناسب در اختیار مردم قرار دهیم.

مسئلا اگر عادت مردم از مصرف گوشت قرمز یا گوشت مرغ به سمت آژینان حرکت کند، تحول بزرگی است و شرط آن این است که هم بتوانیم به اندازه کافی اینها را وارد بازار کنیم و هم با قیمت مناسب در اختیار مردم قرار بگیرد که مردم توان استفاده داشته باشند. البته همان‌طور که اشاره کردید، این برای ما یک محصول ارژآور و صادراتی است و از این نظر هم برای ما حائز اهمیت است، نسبت به صدور رای مزاح‌گونه اقدام کنید. صرف‌نظر از موانع، معاینه و ایرادات متصوره در دادنامه که از باب «عدالت» یا شوخی در مقام قضاوت و استنتاج عدالت باشد، امری مذموم است، باید گفت قاضی، قضاوت، دادگاه و قوه قضائیه از شان والایی در این کشور نزد انظار و افکار عمومی برخوردار است و صدور آرای قضائی هم مطابق قوانین و مقررات موجود از ابد تا ازل از شکل‌وشمایل، قالب و استناداری برخوردار بوده و این امر در دوران ریاست جدید قوه قضائیه نیز مطابق دستورالعمل ابلاغی بارها تأکید و قانونمندتر شده است. اما سؤال نگارنده به‌عنوان دانش‌آموز رشته حقوق از قاضی صادرکننده رای این است که سخنان رئیس‌جمهور از چه زمانی به‌عنوان منابع حقوق وارد قانون شده است که جنابعالی به آن استناد می‌کنید؟ آیا به اهمیت قضاوت از منظر دین مبین اسلام توجه دارید؟

بر اساس اصل ۱۶۶ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، «حکام دادگاه‌ها باید مستدل و مستند به مواد

نقدی بر شیوه استدلال دادگاه کیفری خرمشهر در صدور رأی از منظر قانون

تفسیر قضائی باید محدود بر عرف و قانون باشد

تَبَيَعُ الْهَوَىٰ فَبُذِلَ عَن سَبِيلِ اللَّهِ» (ص، ۲۶).
استقرار عدالت به مفهوم وسیع آن از مهم‌ترین اهداف پیامبران است: «لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ» (حدید، ۲۵).

اسلام بارزترین ارزش و اهمیت را برای مسئله قضاوت در جهت تأمین حقوق مردم و استقرار عدالت اجتماعی قائل شده و آن را امانت بزرگی تلقی کرده است: «إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَمَانَاتِ إِلَىٰ أَهْلِهَا وَإِذَا حَكَمْتُمْ بَيْنَ النَّاسِ أَنْ تَحْكُمُوا بِالْعَدْلِ» (نساء، ۵۸).

خداوند متعال در تأکید مقام عظمت عدالت و اجرای عدالت و به‌منظور تحذیر و تهدید قضات از جانبداری جنایتکاران، پیامبر اکرم(ص) را به این‌گونه مخاطب قرار داد: «أَيُّهَا الرَّئِثَ الْبِكَ الْكِتَابِ بِالْحَقِّ لِنُحْكِمَ بَيْنَ النَّاسِ بِمَا أَرَاكَ اللَّهُ وَلَا تَكُنْ لِلْخَائِثِينَ حَصِيماً»

(نساء، ۱۰۵). قرآن کریم به این وسیله خاطر‌نشان کرد امر خطیر قضاوت مربوط به اراده محض شخص پیامبر(ص) نیست، بلکه او نیز می‌باید در کار حکومت پیرو دستور خدا و مجری حق باشد. خداوند به پیامبر(ص) در مقام قاضی دستور می‌دهد: به آنچه خدا فرستاده میان مردم حکم کن و در اثر خواوش‌های مردم حکم حق را وامگذار (مانده، ۴۸).

حضرت علی(ع) در اوصاف قاضی و نحوه انتخاب وی می‌فرماید: قضات را از میان کسانی انتخاب کن که در نظر تو بهتر و با فضیلت‌تر از دیگران هستند. قاضی باید از کسانی باشد که از نظر وسعت اطلاعات در مقامی باشد که تراکم قضا یا او را در تنگنا قرار ندهد. در عین نیازمندی از چنان مهارت و غنای درونی برخوردار باشد که مغلوب از طمع نشود. در موارد مشابه جانب احتیاط را نکه دارد و درنگ کند تا به اصل مطلب پی ببرد. از آمد و شد اصحاب دعوی کمتر به ستوه آید (نجفی، ۱۳۹۲ق، ص۱۷۴).

بخش دوم، مقدمه رأی

مطابق ماده ۲۶۵ قانون آیین دادرسی مدنی مبنی بر اینکه رای دادگاه پس از انشای لفظی باید نوشته شده و به امضای دادرس یا دادرسان برسد و نکات زیر در آن رعایت شود:

- تاریخ صدور رای
- مشخصات اصحاب دعوی و اقامتگاه آنها
- موضوع دعوا و درخواست طرفین
- جهات، دلایل، مستندات، اصول
- مشخصات و سمت دادرس یا دادرسان

مقدمه رأی باید شرح گویای موارد فوق و گردش‌کار مختصر و مستند پرونده باشد که به دلیل حرکت‌مدور و نزولی به صعودی پرونده از مراجع تالی به عالی، مراجع فوق از مطالبه اصل پرونده بی‌نیاز باشند. امری که متأسفانه در آرای محاکم ما ندرتاً مراعات می‌شود

است؟». چه کسی انتظار چنین چیزی را داشت؛ یک جنگ طبقاتی که بین خود سرمایه‌گذاران و کلانان بورس درگیرید؟

بنابراین ماجرا باز همان «کشتن آدم معمولی‌ها» است که آنجلا نکل در عنوان کتابش به آن اشاره دارد. در این مورد «آدم معمولی‌ها» سرمایه‌گذاران به‌اصطلاح منطقی و مدیران صندوق‌های پوشش ریسک هستند، اما این‌بار آدم معمولی‌ها واقعا باید «کشته شوند» (از دور خارج شوند). ما در وضعیتی هستیم که وال‌استریت، الگوی سفته‌بازی و معاملات نهانی فاسد که همواره ذاتا مخالف مداخله و مقررات دولتی بوده، حالا مخالف رقابت ناعادلانه و خواستار مداخله دولت شده است. به‌طور خلاصه، وال‌استریت‌بتس علنا کاری را می‌کند که وال‌استریت در دهه‌ها در خفا انجام داده است.

البته آرمان‌شهر سرمایه‌داری پوپولیستی که آرزوی میلیون‌ها نفری است که در طول روز کارگر یا دانشجوی ساده هستند و شب‌ها با سرمایه‌شان بازی می‌کنند، غیرممکن است محقق شود و تنها ممکن است به آشفتنگی خودبیرانگر بینجامد. اما آیا این طبیعت سرمایه‌داری نیست که به صورت دوره‌ای دچار بحران شود – مانند بحران بزرگ سال ۱۹۲۸ و بحران مالی ۲۰۰۸، اگر بخواهیم فقط به معروف‌ترین نمونه‌ها اشاره کنیم – و حتی قوی‌تر از قبل از آن بیرون بیاید؟

بااین‌حال، در همه موارد گذشته بازگرداندن تعادل از طریق سازوکارهای بازار غیرممکن بود (و هست)؛ چراکه هزینه بسیار بالاست و بنابراین به یک مداخله عظیم خارجی از جانب دولت نیاز است. آیا این‌بار هم دولت می‌تواند بازی را اداره کند و وضعیتی را که وال‌استریت‌بتس برهم زده به حالت عادی برگرداند؟

پس راه‌حل چیست؟ زیاده‌روی‌ای که در وال‌استریت‌بتس اتفاق افتاد، بی‌منطقی پنهان بورس سهام را علنی کرد. این شورشی علیه وال‌استریت نیست، اما به‌طور بالقوه چیزی بسیار خطرناک‌تر است؛ چراکه سیستم را با همذات‌پنداری بیش از حد با آن دچار تزلزل می‌کند، درست مانند کاری که نامزد ریاست‌جمهوری کرواسی با شعارش انجام داد.

بله، کاری که اعضای وال‌استریت‌بتس می‌کنند، پوچ‌گرایانه است؛ اما این پوچ‌گرایی طبیعت خود بورس سهام است و در وال‌استریت جریان دارد. بنابراین ماجرا باز همان «کشتن آدم معمولی‌ها» برای غلبه بر این پوچ‌گرایی باید از بازی بورس خارج شویم. سوسیالیسم در همین نزدیکی منتظر فرصت نشسته تا آن را درباییم؛ چراکه مرکزی‌ترین نقطه سرمایه‌داری جهانی در آغاز فروپاشی است. آیا چنین چیزی اتفاق خواهد افتاد؟ پاسخ تقریبا به اطمینان منفی است؛ اما آنچه مایه نگرانی است، این است که بحران اخیر تهدید غیرمنظره دیگری برای سیستم است که از چندین جهت دیگر هم مورد تهاجم قرار گرفته (همه‌گیری جهانی کرونا، گرمایش زمین، اعتراضات اجتماعی و…)، به‌علاوه، این تهدید از قلب سیستم برآمده نه از خارج آن. ترکیبی انفجاری در حال شکل‌گرفتن است و هرچه این انفجار به تعویق بیفتد، ممکن است ویرانگرتر شود.

و هزینه سنگین چرخش کروی پرونده برای دولت و خسراتی برای طرفین به دنبال دارد. تشریح دقیق ادعای خواهان و بررسی موشکافانه دلایل طرفین و رعایت «اصل تناظر» نقش بسیار مهمی در طی‌شدن یک فرایند عادلانه و دادرسی دارد. همین که دادگاه ادعای خواهان و دفاع خواننده در آن قید و مورد نقد و اتخاذ یک تصمیم سریع و درست برای وی امری عادی خواهد شد.

استماع کامل مدافعات خوانده یا وکیل وی نقش بی‌بدیلی در سوق‌دادن قاضی به یک نتیجه عادلانه را به دنبال دارد. از اصول ضروری بر یک رای متقن آن است که دفاعیات خواننده در آن قید و مورد نقد و بررسی قضائی در قالب توجه به ایرادات و دقت در مدافعات و تصمیم مقتضی صورت گیرد.

بخش سوم، دلایل رأی دادگاه

مطابق بند ۴ ماده ۲۹۶ قانون آیین دادرسی مدنی، «جهات، دلایل، مستندات، اصول و مواد قانونی که رای بر اساس آنها صادر شده است». منظور از مستندبودن یک رای آن است که توصیف شرح موقیع، تفسیر اراده طرفین منطبق‌کردن آن با عرف و قانون و تفسیر قانون ازجمله اسباب موجه یک رای است. برای نمونه، شاید خواهان بی‌سواد و کم‌بضاعت خواسته خلع بد خود را تخلیه یا خالی‌کردن منزل و امثالهم بیان کند؛ اما انطباق آن با قانون و ملاحظه وضع موجود به ادراک دلائل بستگی دارد. یکی از عوامل تأثیرگذار در رزمره دلایل بررسی احرار، توصیف وقایع است؛ امری که در حقوق بین‌الملل بسیار رایج و ستودنی است؛ اما در محاکم ما چنان جایگاهی ندارد. وقایع در دنیای حقوقی به واقعی و اعتباری تقسیم می‌شوند. دادرس مسلط و دادرسی عادلانه مستلزم آن است که قضات به دقت نسبت به «احراز وقایع» و «توصیف وقایع» مطابق ماده ۱۹۹ قانون آیین دادرسی اقدام کنند. احراز و اثبات خواسته مقوله مهمی است که در راستای اصل «البینه‌المدعی» خواهان باید آن را اثبات کند یا دادگاه را مجاب به احراز آن از طریق ارجاع امر به کارشناسی یا استماع شهادت شهود یا قرار معاینه و امثالهم کند. البته دادگاه در این بین باید تلاش کند «تفسیر» را از «توصیف» جدا و علی‌حده به بررسی آنها بپردازد. تفسیر در دنیای حقوق منطبق بر خواسته طرفین است و حال آنکه توصیف مبین وضعیت اعمال حقوقی است که طرفین قصد انجام آن را داشته‌اند.

مطابق اصول آمره حقوقی، دادگاه باید در چار‌چوب قانون و قلم و نگاه از شیوع آرای این‌چنینی که دور از شأن قضات و جایگاه رفیع قضات و عدالت در قوه قضائیه آن‌هم در دوران رئیس با تجربه‌های همچون حاجت‌الاسلام رئیسی است، جلوگیری شود تا بیش از این افکار، اندیشه و آرای قضات شجاع، اصل، نجیب و با تجربه دستاویز تمسخر و توهین به قضات و همجه به قوه قضائیه نشود.

و تفسیر قوانین عادی در صلاحیت مجلس شورای اسلامی است. مفاد این اصل مانع از تفسیری که دادستان در مقام تمیز حق از قوانین می‌کند، نیست. مختصر، مفید و معین در چار‌چوب قانون و در مقام ضرورت باشد و لغزیر. در غیر این صورت، آرای مستند به تفاسیر موسع متغیرکننده خواسته و دعوا در‌خور نقض خواهد بود.

در مقام نتیجه باید گفت:

اولا در قوانین مختلف به‌صراحت بر مستدل‌بودن رای تأکید شده؛ اما درخصوص نحوه استدلال شیوه‌ای که رای نشده است؛ لیکن با دقت در ماده ۱۴ قانون نظارت بر رفتار قضات و ماده ۲۹۵ قانون آیین دادرسی مدنی مشخص است که قانون‌گذار به‌منظور حفظ حقوق طرفین دعوی و رعایت اصل قانونی‌بودن جرائم و مجازات‌ها و جلوگیری از اعمال سلیقه قضات در صدور رای رویه‌ای برای آن اتخاذ و مجازاتی هم برای آن منظور کرده است.

ثانیا سرنوشته مردم امانتی است در قالب پرونده دست قضات که در آن مزاح و تمسخر جای ندارد. بنا بر تصریح اصل ۱۶۷ قانون اساسی، قاضی هنگام دعاوی میان اشخاص موظف است حکم هر مورد را در «قوانین مدونه» و در غیر این صورت، حکم موضوع را در «قوانین معارف اسلامی» یا «قنایر معتبر» بیابد؛ «قاضی موظف است کوشش کند حکم هر دعوی را در قوانین مدونه بیابد و اگر نیابد با استناد به منابع معتبر اسلامی یا فناوری معتبر حکم قضیه را صادر نماید. عدالت مستلزم آن است که قضات به دقت نسبت به «احراز وقایع» و «توصیف وقایع» مطابق ماده ۱۹۹ قانون آیین دادرسی اقدام کنند. احراز و اثبات خواسته مقوله مهمی است که در راستای اصل «البینه‌المدعی» خواهان باید آن را اثبات کند یا دادگاه را مجاب به احراز آن از طریق ارجاع امر به کارشناسی یا استماع شهادت شهود یا قرار معاینه و امثالهم کند. البته دادگاه در این بین باید تلاش کند «تفسیر» را از «توصیف» جدا و علی‌حده به بررسی آنها بپردازد. تفسیر در دنیای حقوق منطبق بر خواسته طرفین است و حال آنکه توصیف مبین وضعیت اعمال حقوقی است که طرفین قصد انجام آن را داشته‌اند.

مطابق اصول آمره حقوقی، دادگاه باید در چار‌چوب قانون و قلم و نگاه از شیوع آرای این‌چنینی که دور از شأن قضات و جایگاه رفیع قضات و عدالت در قوه قضائیه آن‌هم در دوران رئیس با تجربه‌های همچون حاجت‌الاسلام رئیسی است، جلوگیری شود تا بیش از این افکار، اندیشه و آرای قضات شجاع، اصل، نجیب و با تجربه دستاویز تمسخر و توهین به قضات و همجه به قوه قضائیه نشود.

ادامه از صفحه اول

کابوس اسرائیل

هر دو عنصر «مهاجرت و سرمایه‌گذاری» محصول امنیتی است که اسرائیل فراهم کرده بود. هر تحولی که امنیت را خدشه‌دار کند، به مثابه زلزله‌ای در ارکان رژیم صهیونیستی است. در جنگ ۱۲‌روزه برای اولین بار امنیت اسرائیل نه با به زعم آنها «اقدامات تروویستی» ازسوی فلسطینی‌های دست از جان شسته که از خلال رودررویی نظامی با یک گروه شبه‌نظامی مورد سؤال قرار گرفت. حتی با پذیرش ادعای اسرائیل در رهگیری و انهدام قریب به ۹۰درصد آن توسط شبکه پدافند «گنبد آهنین» و فرودآمدن ۱۰درصد از موشک‌های شلیک‌شده از سوی حماس در تل‌آویو و دیگر شهرها، برای اولین بار است که اسرائیل به ناتوانی خود در تأمین امنیت خود اعتراف می‌کند. مضافا اینکه توانایی سیستم «گنبد آهنین » را نیز به‌طورجدی با ابهام روبه‌رو می‌کند. ادعای ایرانی‌بودن موشک‌ها با توجه به جغرافیای این‌بازریکه و محاصره کامل آن از سوی اسرائیل که قریب به ۱۴ سال از آن می‌گذرد، خود دلیل دیگری بر عجز و ناتوانی این رژیم در کنترل فلسطینی‌ها در دستیابی، ساخت و توسعه صنایع موشکی است که درحال‌حاضر به معضل بزرگ این رژیم تبدیل شده است. ناتوانی اسرائیل در مهار صنایع موشکی فلسطینی‌ها و همچنین «عدم اطلاع» از کمیت، کیفیت و برد موشک‌ها که با وجود اشرف‌اطلاعاتی و شبکه گسترده جاسوسی در کرانه باختری و غزه جنگ اخیر را به کابوسی برای اسرائیل تبدیل کرده که به

یقین در محاسبات مربوط به برپایی جنگی دیگر تأثیر جدی خواهد گذاشت. ۲- در چهار سال دوره ترامپ و اقدامات یک‌جانبه او در حمایت از اسرائیل مانند به‌رسمیت‌شناختن قدس به‌عنوان پایتخت اسرائیل، انتقال سفارت، رسمیت دادن به انضمام بخشی از کرانه باختری و وادارکردن کشورهای عربی در برقراری رابطه سیاسی با اسرائیل طرح «دو دولت» را به‌طورجدی در محاق برده و از دستور کار خارج کرده بود. فشار از اینکه ما با طرح «دو دولت» موافق یا مخالف باشیم، این طرح از حمایت جهانی و از جمله سازمان ملل برخوردار است و به‌عنوان راه‌حلی نه لزوما عادلانه بلکه بر اساس واقعیت‌های موجود کم‌هزینه‌ترین

راه‌حل برای طولانی‌ترین بحران جهانی است. جنگ اخیر غزه بار دیگر این ایده را به‌طورجدی در جهان مطرح کرد. فلسطینی‌ها باید سیاستگذار یاسر عرفات رهبر فقید خود باشند که با درک واقعیت‌های حاکم بر جهان و خیانت‌های اعراب، توانست قسمت کوچکی از سرزمین‌های اشغالی را بازپس گیرد. سرزمین‌های اندک که امروز به پایگاه‌های اصلی حماسه‌آفرینی‌های فلسطینی‌ها و کابوسی برای اسرائیل تبدیل شده است.

۳- عادی‌سازی روابط کشورهای عربی با اسرائیل پروژه مورد حمایت همه بازیگران بین‌المللی ازجمله روسیه و چین در کنار آمریکا و اروپاست. عرب‌ها هم مشکلی با آن ندارند و سال‌هاست که آن را پذیرفته و بسیاری نیز در نهان و برخی آشکارا آن را اجرا کرده‌اند. آنچه در دوره ترامپ و با ابتکار جراد کوشنر، داماد وی تحت عنوان «طرح ابراهیم» به اجرا گذاشته و منجر به برقراری روابط سیاسی اسرائیل با پنج کشور عربی شد، تقسمت بیرونی کوه یخ رابطه اسرائیل با کشورهای عربی است. حماسه مقاومت غزه در جنگ اخیر مانع بزرگی در مقابل این روند ایجاد کرد. قبح برقراری رابطه با اسرائیل بدون پذیرش موجودیتی به نام «دولت فلسطین» از سوی اسرائیل که در ذیل «طرح ابراهیم» شکسته شده بود، مجددا ملت‌های عربی را در مقابل رژیم‌های مرتجع و سازشکار قرار داد. در پرتو جنگ اخیر دولت‌هایی مانند امارات عربی متحده، بحرین، سودان و… به‌شدت تحت‌فشار افکار عمومی خود قرار گرفته‌اند؛ روندی که حداقل در کوتاهمدت از دستور کار دیگر رژیم‌های سازشکار کنار گذاشته خواهد شد.

۴- شکل‌گیری فضای گسترده مخالفت با جنایات اسرائیل در جنگ اخیر و همراهی، همدلی و حمایت غیرقابل تصور از فلسطینی‌ها از سوی افکار عمومی جهان به‌رافتافسان سیل جمعیت معترض نه در خیابان‌های کشورهای عربی و اسلامی که در لندن و پاریس و کانادا از تحولات جنگ غزه بود که نباید آن را دست‌کم گرفت. سیاست‌سازان قضات و جایگاه رفیع قضاوت و عدالت در قوه قضائیه آن‌هم در دوران رئیس با تجربه‌های همچون حاجت‌الاسلام رئیسی است، جلوگیری شود تا بیش از این افکار، اندیشه و آرای قضات شجاع، اصل، نجیب و با تجربه دستاویز تمسخر و توهین به قضات و همجه به قوه قضائیه نشود.